

## رژیم ولایت فقیه و نظام حقوقی دریای خزر

شود، و در این جهت قطعاً رژیم مشاع تامین کننده منافع تمامی پنج کشور ساحلی خواهد بود، اما چنانچه سایر کشورهای ساحلی دریای خزر با رژیم تقسیم موافق باشند، جمهوری اسلامی ایران هم به

ادامه در صفحه ۳

احمد شاملو، سخن سرای نامدار ایران، درگذشت در صفحه ۳

تعیین نظام حقوقی بزرگ ترین دریاچه جهان، خزر، کماکان موضوع بحث و مشاجره پنج کشور ساحلی آن، و نیز انحصارات فراملی است! در جریان ششمین نشست رهبران کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی-اکو- که، در اواخر خرداد ماه سال جاری در تهران برگزار شد، از جمله موضوعات مهم و بحث برانگیز، همین تعیین نظام حقوقی دریای خزر بود.

در نشست رهبران کشورهای عضو اکو در تهران، رژیم ولایت فقیه، رسماً اعلام داشت، به جرگه کشورهای پیوسته که خواهان رژیم حقوقی تقسیم مساوی و کامل دریای خزرند. تا پیش از این، جمهوری اسلامی از رژیم مشاع، که در برگیرنده منافع ملی ایران بود، دفاع می کرد. محمد خاتمی، در مراسم گشایش نشست سران اکو در تهران، در این باره، با اعلام رسمی تغییر مواضع جمهوری اسلامی، یادآور شد: «جمهوری اسلامی ایران پیوسته اعلام کرده است که، نظام حقوقی حاکم بر دریای خزر می باید بر مبنای سوابق تاریخی (معاهدات موجود)، اصل حسن همجواری، رعایت منافع اقتصادی و امنیتی دولت های ساحلی تعیین

نامه مردم ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۸۸، دوره هشتم سال هفدهم، ۴ مرداد ماه ۱۳۷۹

## برخاست ققنوسی از میان آتش و خاکستر

«ما همچنان اعتقاد داریم که ادامه رژیم «ولایت فقیه»، یعنی ادامه رژیم استبدادی متکی بر دیکتاتوری فردی، مهمترین سد راه تحولات بنیادین، پایدار و دموکراتیک در میهن ماست.»  
«تحولات میهن ما روند پرشتابی را می پیماید و از این رو ضروری است که حزب با طرح شعارهای دقیق تمام توان و امکان خود را برای پیش بردن امر مبارزه به کار گیرد.» گزیده از اسناد سومین پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب

«با درود به رفقای رهبری و دیگر رفقا و فعالین حزب و با درود به تمامی مبارزان راه طبقه کارگر

رفقا!

خبر تشکیل پلنوم سوم حزب مایه امید و خوشحالی بسیار رفقای داخل گردید. بی شک تشکیل پلنوم و تعیین سیاست های نوین حزب در عرصه ملی و بین المللی و پافشاری بر استمرار مبارزه در راه حقوق اجتماعی - سیاسی و اقتصادی کارگران و زحمتکشان، نوید بخش راهی است که حزب را با تاریخ گذشته و پرافتخار آن پیوند می زند تا پلی گردد به سوی آینده که رهروان حزب ارانی، روزبه، سیامک، وارطان، حجری و هاتقی، با اشتیاق خواهند پیمود. توده ای ها علیرغم همه دشواری ها و مشکلات و با تحمل فراق یاران آرمیده در خاک تفته خاوران، با حزب و اندیشه مقدس و دوران ساز آن زندگی می کنند و روح مشتعل و فروزان شان حتی دقایقی از اندیشه و آرمان و پیکار زحمتکشان فارغ نیست.

حجم عظیمی از روح و اندیشه توده ای به حزب و قهرمانان

ادامه در صفحه ۶

## اصلاحات مردمی در مقابل «اصلاحات» مورد نظر «ولی فقیه» و ارتجاع

■ اعتراف خامنه ای به برگشت ناپذیر بودن اصلاحات و ضرورت هدایت آن، شنونده را بی اختیار به یاد سخنان محمد رضا شاه، پیش از سقوط حکومت شاهنشاهی، می اندازد که با اوج گیری انقلاب، در سخنانی خطاب به مردم گفت: صدای پای انقلاب شما را شنیدم و از مردم خواست تا به او اجازه دهند تا انقلاب آنان را هدایت کند!! اگر سرنوشت شاه و حکومت شاهنشاهی در ایران ملاکی تاریخی قرار گیرد، سرنوشت رژیم «ولایت فقیه»، و «ولی فقیه» آن نیز از هم اکنون روشن است.

حوزه حزبی و منزلگاه جناحی اشتباه گرفته اند. «مصباح زیدی بر این افزود: «خدا لعنت کند کسانی که قرائت های جدید از دین را ابزاری برای ابطال ادیان قرار داده اند...» و روزنامه خراسان از قول دبیر کل جمعیت مؤتلفه نوشت که، وضعیت کنونی کشور مشابه دوران بنی صدر است. همچنین بر اساس گزارش «ایستا»، سید مسعود جزایری، رئیس مرکز فرهنگی سپاه پاسداران، در مصاحبه ای پیرامون اوضاع حساس کشور، اظهار داشت که: « طرح براندازی نظام مبتنی بر مدل فروپاشی شوروی، کارگزارانی در داخل کشور دارد.» به گفته جزایری: «بر خورد با نهادها و سازمان های انقلابی یک طرح برنامه ریزی شده است که از مدت ها قبل آغاز شده و زمانی سپاه، وقتی دیگر نیروهای انتظامی، صدا و سیما، شورای نگهبان، قوه قضائیه و

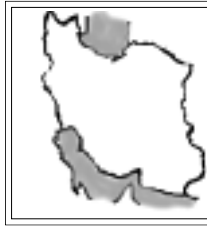
در پی سخنان سید علی خامنه ای، و اعتراف او درباره عدم توانایی رژیم در متوقف کردن اصلاحات و بنابراین، ضرورت اداره و مدیریت مرکزی اصلاحات توسط یک «مرکز واحد»، سخنگویان ارتجاع و استبداد، در لباس روزنامه نگاران کیهان، رسالت، جمهوری اسلامی و دیگر رسانه های گروهی وابسته به رژیم، یک صدا به تبلیغ درباره این نظریه پرداختند. همراه با این حرکت از پیش سازمان یافته، و همزمان با باز شدن بحث پیرامون انتخابات ریاست جمهوری آینده، تهاجم تبلیغاتی واپس گرایان و مرتجعان مدافع ولایت مطلقه، خواهان طرد عناصر غیر خودی و به گفته آنان «نفوذی» ها از صفوف اصلاح طلبان شدند. به گزارش روزنامه بهار، یکشنبه، ۲ مرداد ۱۳۷۹، امام جمعه شمشیرانات، در نماز جمعه این شهر، گفت: «عده ای عرصه ریاست جمهوری و نمایندگی مجلس را با

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

## بررسی رویدادهای ایران



### کنگره «جبهه مشارکت»

محمد رضا خاتمی، در سخنرانی بی، در نخستین کنگره جبهه مشارکت، به تشریح مسائل سیاسی جامعه پرداخت و مهم ترین برنامه سیاسی این تشکل در سال جاری را، انتخابات ریاست جمهوری دانست. وی در این باره، هدف مخالفان اصلاحات را مایوس کردن و پایین آوردن آرای مردم در انتخابات سال آینده ریاست جمهوری ارزیابی کرد و با اشاره به نقش مطبوعات و استقبال مردم از آنها و اینکه مردم حول مطبوعات و احزاب سازمان دهی شده اند، در مورد تشکیل جبهه مشارکت یادآور شد که، به دلیل «نقش سوء احزاب در گذشته» استقبال از این حزب را تا این حد غیر قابل تصور می دانستند. وی با اشاره به تحولات اخیر میهن مان و اقدامات صورت گرفته برای سرکوب نهادهای مدنی از طرف مخالفان اصلاحات، مهم ترین دغدغه فعلی را بالا بودن هزینه سیاسی ذکر کرد و در این رابطه اظهار داشت: «ما انتظار داریم که هزینه های مشارکت سیاسی کاهش یابد و در این راه باید احزاب دیگر نیز تقویت شوند و به قدری کوشش کنند که کل احزاب کشور، به احزاب دایمی و همیشگی تبدیل شوند.»

در این باره برخلاف نظر محمد رضا خاتمی که احتمال عدم مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری آینده را به دلیل اقدامات سرکوب گرانه مخالفان اصلاحات ارزیابی می کند باید گفت که عدم مشارکت دادن توده ها در مهم ترین مسائل سیاسی - اجتماعی و اقتصادی کشور بخصوص از طرف کسانی که ادعای اصلاح طلبی می کنند، خطر جدی تر است که می تواند به مایوس شدن و عدم شرکت مردم در انتخابات بیانجامد. حضور گسترده تمامی اقشار مردم در انتخابات چند سال گذشته، با توجه به جو سرکوب و خفقان شدید، خود گویای این واقعیت است که اتفاقا در تقابل و مبارزه بر ضد سرکوب و استبداد حضور مردم در عرصه پیکار برای تحولات ریشه ای در میهن ما، به طور گسترش یابنده بی ادامه داشته است. ولی آنجا که مردم احساس کنند، شرکت آنها تغییری در سرنوشت آنها نخواهد داد، قطعاً شرکت نخواهند کرد. دلیل هزینه های بالای سیاسی که جنبش تاکنون پرداخته است و محمد رضا خاتمی از آن نام برده را نیز ضعف سازماندهی جنبش، تزلزل و مباحثات رهبری سیاسی آن و هراس این رهبری از اتکاء به نیروی مردمی برای پیشبرد روند اصلاحات باید دانست. نکته آخر اینکه رژیم ولایت فقیه با سرکوب سازمان ها، نیروها و احزاب مترقی، از جمله حزب توده ایران، راه را برای غارت و چپاول بیشتر برای خود باز کرد.

سرکوب آنها از طرف رژیم ولایت فقیه نه به دلیل «نقش سوء» آنها بلکه به خاطر هراس ارتجاع از پایگاه و تأثیر معنوی نیروهای مترقی در جامعه ما بود.

### زنان از نگاه آمار و «قانون»

از ۲ میلیون نفر معنایان کشور، ۲۰۰ هزار نفر آنها زن هستند. ۴۰ درصد زنان معنایان مبتلا به ایدز می شوند. از ۳۸ زن معنایان مورد مطالعه قرار گرفته، ۲۲ نفر به فحشا مشغول بوده اند. بیشتر معنایان زن جزو افراد جوان کشورند. یک مورد دستگیری ۲۲ نفره از معنایان، ۱۷ نفر دختران پسرنا بوده اند. نزدیک به ۳ میلیون نفر از زنان میهن مان، خود سرپرست هستند. روابط نامشروع بیشترین درصد جرم زنان زندانی را در کشور به خود اختصاص داده است. بیشترین درصد سنی زنان بزهکار، در فاصله سنی ۲۱ تا ۴۰ سال است. میزان خودکشی در بین زنان رو به گسترش است. ۴۲ درصد از مراجعه کنندگان زن به دفتر امور زنان قوه قضاییه را متقاضیان طلاق تشکیل می دهند. طرح تشکیل کمیسیون زنان در مجلس چهارم رای نیاورد. طرح تشکیل کمیسیون زنان در مجلس پنجم رای نیاورد. طرح تشکیل کمیسیون خانواده به جای زنان به دلیل مخالفت نمایندگان وقت مجلس رژیم با استفاده از نام زن باز هم رای نیاورد. پاییز ۱۳۷۵ کمیسیون زنان در مجلس پنجم بالاخره تشکیل شد. تعدادی از اعضای این کمیسیون از مخالفان تشکیل کمیسیون زنان بودند. طبق قوانین جمهوری اسلامی به وارثان زنان شاغل در صورت فوت مستمری پرداخت نمی شود.

### اصلاحات، برنامه ریزی یا ضرورت راه کارهای عملی؟

در پی سخنرانی علی خامنه ای در باره اصلاحات، که البته ترفندی جدیدی است برای مقابله با جنبش مردمی، سعید حجازیان در مراسم اختتامیه کنگره جبهه مشارکت اسلامی در این باره با اشاره به انتخابات دوم خرداد ۷۶ گفت: «مردم بدون اینکه انقلاب کنند برنامه ای را پذیرفتند و به ندای آقای خاتمی لبیک گفتند. لذا اصلاحات از پایین صورت گرفت. برنامه آقای خاتمی ۲۰ میلیون پژواک داشت. از آنجا که رقیب ما حرف هایش بین مردم پژواک ندارد می خواهد خود را با دوم خرداد قاطی کند و می گویند یک مرکز اصلاحات درست شود، دوم خردادی ها بیایند، ما هم بیاییم و از نو برنامه اصلاحات را درست کنیم.» وی افزود: «این برای این است که فرایند اصلاحات را سد کنند نه این که فرایند را هدایت کرده و تسریع بخشند.»

وی با اشاره به نزدیکی زمان انتخابات ریاست جمهوری گفت: «هر کس که ادعای داشتن برنامه دارد بیاید برنامه هایش را بنویسد، دوم خرداد هم برنامه هایش را به مردم معرفی خواهد کرد و قضاوت نهایی با مردم خواهد بود. تا آخر امسال برنامه گذشته خود را با نگارش و قلم جدیدی به مردم عرضه می کنیم ببینیم مردم بر سر عهدی که با ما بسته اند، برقرار هستند و الا باید قدرت را به رقبای خود واگذاریم.» از هنگام انتخابات ریاست جمهوری در سه سال پیش، مردم تاکنون تمایلات و خواسته های خود را به طرق گوناگون ابراز داشته اند. مشکل جنبش مردمی، برنامه داشتن به تنهایی نیست، باید برای مردم مشخص شود برای عملی کردن چنین برنامه هایی چه راه کارهای عملی مدنظر می باشد. بسیاری از برنامه های محمد خاتمی، بررغم قول های داده شده تاکنون تحقق نیافته است.

### لغو قوانین ضد کارگری و وضعیت بحرانی کارگران

به گزارش ایرنا، یکم مرداد ماه، سهیلا جلودارزاده، نماینده تهران در مجلس، اظهار داشت که قانون معافیت کارگاه های کمتر از پنج نفر از شمول قانون لغو می شود. وی خاطر نشان ساخت که لایحه بی به همین منظور از طرف وزرات کار و امور اجتماعی به مجلس ارائه می شود. وی در جایی دیگر اظهار امیدواری کرد که شورای نگهبان با توجه به فشاری که از این ناحیه متوجه کارگران شده است، این لایحه را تایید کند. سهیلا جلودارزاده، در مورد وضعیت بحرانی صنایع و کارخانه ها افزود: «در حالی که واحدهای تولیدی، صنعتی ایران رو به ورشکستگی می روند و هر روز بر تعداد کارگرانی که حقوق دریافت نکرده اند اضافه می شود و قوانینی که تصویب شد عوارض سنگینی را برای آنان به همراه داشت.» وی مشکلات بوجود آمده در بخش صنایع و واحدهای تولیدی

را ناشی از عدم رغبت سرمایه گذاری، از جمله سرمایه گذاری خارجی و وجود تعداد زیادی کارگر مهاجر افغانی در واحدهای تولیدی و صنعتی دانست. به گزارش روزنامه بهار، یکشنبه ۲ مرداد، حسن صادقی، رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور، در همین رابطه اظهار داشت که با بحرانی شدن وضعیت واحدهای تولیدی حدود ۲۵ هزار کارگر در آستانه از دست دادن شغل خود هستند. وی نیز عدم رشد سرمایه گذاری، عدم امنیت و آرامش و ثبات نداشتن قوانین کشور را عامل این بحران دانست. وی در جایی دیگر با اشاره به سیاست های خصوصی سازی گفت: «تجربه خصوصی سازی در کشور نشان داده که این بخش پس از ورود به عرصه اقتصادی به سمت دلالی به عنوان سودآورترین بخش اقتصاد کشور روی آورده است.» لازم به تذکر است دست اندرکاران دولتی در ایران بحران موجود را ناشی از کارشکنی جناح رقیب، عدم سرمایه گذاری خارجی و وجود کارگران خارجی می دانند. وضعیت بحرانی کارگران و واحدهای تولیدی، ریشه در اجرای سیاست های فاجعه بار اقتصادی بی دارد که از زمان روی کار آمدن رفسنجانی به اجرا درآمده است. ادامه چنین سیاست هایی، بی شک، موجب رشد بیکاری و فقر خواهد شد. تجربه دیگر کشورها که چنین سیاست هایی را دنبال کرده و سرمایه گذاری خارجی عظیمی را جذب کرده اند، حاکی از بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش بیکاری آن کشورها نبوده است.

### «آزادی» (؟) شیرین عبادی

#### و محسن رهامی

خانم شیرین عبادی و محسن رهامی که در جریان پرونده موسوم به نوارسازان دستگیر و زندانی شده بودند، روز شنبه با یک وثیقه ۱۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شدند. محسن رهامی در یک گفتگو با روزنامه «بهار» ۲ مرداد، این ادعا که نوار ویدئویی فرهاد ابراهیمی توسط او، خانم عبادی و الهه هیکس تهیه شده است را تکذیب کرد و آن را خلاف واقع دانست. او در این باره گفت که این مسئله نه در پرونده وجود دارد و نه خانم عبادی گفته است.

بنا به گفته رهامی، از ۲۵ روز دوران بازداشت، ۲۰ روز در زندان انفرادی بوده است. با توجه به موارد گذشته، قوه قضاییه رژیم ولایت فقیه، با پرونده سازی برای اشخاص مختلف، مبادرت به بازداشت آنها می کند و سپس برای تخفیف فشار افکار عمومی آنها را با قرار وثیقه آزاد کرده و بعداً در جریان محاکمات فرمایشی، این افراد را محکوم به حبس های کوتاه و بلند مدت می کند. تاکنون هیچ گونه اقدام عملی برای جلوگیری از این اقدامات سرکوب گرانه صورت نگرفته است و دامنه چنین نمایشاتی روز به روز گسترش یافته است.

## ادامه رژیم «ولایت فقیه» و نظام حقوقی ...

منظور ابراز حُسن نیت و تقویت همگرایی بین آنها، آمادگی دارد به ایده تقسیم کامل دریا بر اساس سهم مساوی و عادلانه هر کشور بپیوندد» (کیهان ۲۱ خرداد ۱۳۷۹).

این تغییر مواضع، که به معنای چشم پوشی از منافع بحق و بدیهی میهن ما در دریای خزر است، امری دور از انتظار و شگفت آور نبود!

ایران به لحاظ موقعیت منحصر بفرد جغرافیایی و امکانات بالقوه و بالفعل آن، می توانست (وهنوز نیز می تواند) به مرکز ثقل همکاری های اقتصادی - سیاسی و فرهنگی آسیای مرکزی، قفقاز و حوزه دریای خزر بدل شود، اما اینک با گذشت یک دهه، جمهوری اسلامی به دلیل سیاست ها و عملکرد ضد ملی و کوتاه بینانه، تبدیل به بازنده اصلی در معادلات این منطقه شده است! تغییر مواضع این رژیم در مورد نظام حقوقی دریای خزر، در شرایط کنونی، چیزی جز تضییق حقوق ایران معنا نمی دهد! باید دید، علت تغییر این مواضع چیست و ریشه آن را در کجا باید جستجو کرد.

این تغییر مواضع با برنامه رژیم در عرصه اقتصادی - سیاسی بی ارتباط نمی تواند باشد. به بیان روشن تر، یکی از عوامل اساسی چنین موضع گیری را باید در نوع ارتباط جمهوری اسلامی با انحصارهای نفتی فراملی دید. از مدتی قبل، برخی شرکت های خارجی و انحصارهای فراملی که با رژیم وارد گفتگو شده و قراردادهایی را نیز در زمینه نفت و گاز به امضاء رسانده بودند، خواستار حل نظام حقوقی دریای خزر از سوی جمهوری اسلامی شدند. درست یک ماه پیش از اعلام رسمی این مواضع، یعنی پذیرفتن، رژیم تقسیم که مورد حمایت کمیانی های نفتی است، مجلس پنجم مصوبه ای را گذراند که، در آن شرکت ملی نفت اختیار عقد قرارداد دریای خزر با خارجیان داده شد. روزنامه اطلاعات در تاریخ ۶ خرداد ماه سال جاری در گزارشی تحت عنوان آخرین مصوبات پنجمین دوره مجلس، از جمله نوشت: «به موجب اصلاح صورت گرفته در ماده واحده این لایحه، شرکت نفت اجازه یافت، برای اجرای طرح های اکتشاف، توسعه و بهره برداری از میدان های نفت و گاز دریای خزر به انعقاد قراردادهای لازم با شرکت های داخلی و خارجی اقدام کند. بر اساس یک تبصره الحاقی به لایحه داده شده، در صورت انعقاد قرارداد با دولت های خارجی بایستی قرارداد حسب مورد به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد» (اطلاعات بین المللی، ۶ خرداد ۱۳۷۹).

این لایحه که با توافق کامل کلیه جناح ها، در مجلس پنجم از تصویب گذشت، به معنای تغییر مواضع ایران نسبت به رژیم حقوقی دریای خزر بود که، به فاصله اندکی، در جلسه سران آکو در تهران رسماً از سوی خاتمی اعلام گردید. در عین حال این تغییر مواضع نشانه فشار انحصارات فراملی و تسلیم رژیم به این فشارها بود.

محسن یحیوی، از چهره های با نفوذ جناح ذوب در ولایت، و عضو کمیسیون نفت در مجلس پنجم، در این خصوص به خبرنگاران یادآوری شد: «در شرایطی که برای بهره برداری از ذخایر دریای خزر، نظام حقوقی موجود نیست و با توجه به این که رقبای ایران به صورتی غیر عادلانه از ذخایر این دریا حداکثر استفاده را می برند، ما نیز به دولت خود اجازه دادیم، از طریق

ادامه در صفحه ۵

## احمد شاملو، سخن سرای نامدار ایران، در گذشت

موضوع شعر شاعر پیشین

از زندگی نبود ...

تأثیر شعر او نیز

چیزی جز این نبود:

آن را به جای مته نمی شد به کار زد

در راه های رزم

با دستکار شعر

هر دیو صخره را

از پیش راه خلق

نمی شد کنار زد.

.....

از «شعری که زندگی ست»

سروده احمد شاملو

احمد شاملو، ا. صبح، الف بامداد، شاعر برجسته و پرآوازه، پژوهشگر ادبیات توده، مترجم و نویسنده، بامداد روز دوشنبه، ۳ مردادماه، در بیمارستان ایران مهر تهران در گذشت، و انبوه خوانندگان، و دوستان ارادان فرهنگ و ادبیات نو میهن ما را در اندوه فرو برد. احمد شاملو در ۲۱ آذر سال ۱۳۰۴، در تهران متولد شد. وی از نزدیکان به نیما بود، و ابتدا شیوه نیمایی شعر را در اشعار خود به کار می برد. شیوه نیمایی، که انقلابی در عرصه شعر فارسی بود، غیر از اینکه ساختار ادب شناسانه (بوطیقای) شعر پیش از خود را در هم شکست و تساوی مصرع ها را به هم ریخت و قافیه را از محل سنتی خویش جا به جا کرد، و بر وزن و آهنگ، در عوض آنها تکیه کرد، مضمون شعر را هم متحول کرد. شاملو گامی فرا تر از نیما در دگرگونی ساختار شعر برداشت. او تکیه بر وزن و آهنگ را هم به کناری گذارد، و برجسته ترین سراینده شعرهایی شد که بعداً به نام شعر سپید، یا شعر منثور شهرت یافت.

شعر «پریا»ی احمد شاملو، که ساختار فولکلوریک دارد، از محدود خوانندگان و دوستان شعرهایش گذشت و مورد استقبال مردم قرار گرفت. بیان شعری شاملو دارای توان و نیروی عاطفی شگرفی است، و به سراغ هر مضمون که رفته است، تصویر ماندنی از آن در ذهن بجا گذاشته. بخش مهمی از شعرهای شاملو سروده های ستایشی است از مبارزان راه رهایی توده ها از زنجیر ستم حاکمان قداره بند. این گونه اشعار به ویژه در مجموعه «هوای تازه»، «باغ آینه»، «ابراهیم در آتش» و «کاشفان فروتن شوکران» به چشم می خورند. زبان و بیان قدرتمند و نو شاملو بر شعر بسیاری از شاعران حتی بنام، تأثیر گذارده است. جای خالی شاملو در شعر معاصر میهن ما، پر کردنی نیست.

پژوهش طولانی زمان شاملو در زبان و فرهنگ توده ها بی نظیر است. کتاب کوچکی که دائرة المعارفی است از لغات، اصلاحات و تعبیرات و ضرب المثل های فارسی، اثر ارزنده و بجا ماندنی بی است که بیش از چهل سال کار برده است، اثری که حق این بود که از حمایت های مالی و پرسنل دولتی بهرمنند باشد، که نه تنها نبود، بلکه در آغاز کار و سال های بعد از آن با کارشکنی ها و تضییقات روبه رو بود.

احمد شاملو در عرصه ترجمه، آثار خواندنی و ارزشمندی همچون: پابرهنه ها، مرگ کسب و کار من است، ترجمه درخشان اشعار لورکا، ریتسوس و مارگو بیکل و جز اینها ارائه کرده است. احمد شاملو آثار ارزنده بی نیز در زمینه ادبیات کودکان عرصه کرده است که نشانه علاقمندی وی به آینده کودکان میهن ما بود.

# آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

## حفاظت از محیط زیست، وظیفه بی تاخیر ناپذیر به مناسبت هفته محیط زیست در ایران

«سوسن چلچراغ»، که در سراسر جهان نمونه است و فقط در منطقه عمار لوی گیلان و لنکران آذربایجان می‌روید، در ایران رو به نابودی است. «سوسن چلچراغ» با نام «لیلیوم لیدرور»، در سال ۱۳۵۴ خورشیدی، به عنوان اثر طبیعی ملی به ثبت رسیده و مورد حفاظت ویژه قرار گرفته است. اما پس از انقلاب، در اثر بی توجهی مسئولان و تخریب طبیعت زیبای گیلان توسط جمهوری اسلامی، هم اکنون در حال نابودی است.

علاوه بر گیاهان، گونه‌های منحصر بفرد جانوری نیز در حال انقراضند. چندی پیش، مدیر کل حفاظت محیط زیست استان اردبیل، اظهار داشت که نسل گونه نایاب و بی نظیر آهوی زرد در منطقه مغان منقرض شده است. کارشناسان محیط زیست پس از مدت‌ها جستجو و پژوهش اعلام داشتند، نسل خرس قهوه‌ای در استان‌های آذربایجان غربی و کردستان انقراض یافته است. در سال ۱۳۷۵، سازمان حفاظت از محیط زیست مه‌باد گزارش داده بود، نسل خرس قهوه‌ای نایاب و نمونه در جهان، به طور قطع، در منطقه نابود گردیده است. در سال ۱۳۷۶، اداره کل حفاظت محیط زیست گیلان هشدار داد، نسل پلنگ در کوه‌ها و جنگل‌های رودبار و دیلم در حال نابودی است. قاقاق چیان بین المللی با کمک برخی نهادهای حکومتی، به شکار پلنگ در این منطقه مشغولند. در استان زنجان شکار غیر قانونی باعث نابودی نسل آهو در دشت‌های این منطقه شده است. به گزارش سازمان حفاظت از محیط زیست، نسل سنجاب‌های منحصر بفرد و یگانه ایرانی که به زیبایی در جهان شهرت داشتند و محل زندگی آنها استان کرمانشاه بود، انقراض کامل یافته‌اند.

استان سمنان، دارای گونه‌های منحصر بفرد گیاهی و جانوری است. بنا به آمار رسمی از هشت میلیون هکتار مناطق حفاظت شده در ایران، ۲ میلیون هکتار در استان سمنان واقع است. گونه‌های جانوری کم‌یاب نظیر گورخرهای آسیایی، یوزپلنگ منحصر بفرد ایران، آهو، خرس، بز وحشی نایاب و ... در منطقه حفاظت شده «پور» سمنان زندگی می‌کنند. هم‌اکنون به گزارش مطبوعات، برخی شرکت‌های خارجی به فعالیت در این منطقه پرداخته و شکار غیر قانونی جانوران نایاب گسترش هولناکی یافته است. انواع پرندگان به شیوه‌ای وسیع شکار می‌شوند و از کشور خارج می‌گردند. قاقاق غیرقانونی گونه‌های گیاهی و جانوری توسط خارجی‌ان و با همدستی محافل و افراد نزدیک به حاکمیت، امری پنهانی و پوشیده نیست.

هنگامی که از تخریب محیط زیست سخن به میان می‌آید، نمی‌توان وضعیت اسف بار رودخانه‌ها و دریاچه‌ها را مد نظر قرار نداد. در سال جاری، خشکسالی بی سابقه‌ی ایران را فرا گرفته است. معاون امور عمرانی وزارت کشور، در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ماه یادآوری کرد که در ۹ استان ایران، فارس، هرمزگان، بوشهر، اصفهان، کرمان، خوزستان، خراسان، یزد و سیستان و بلوچستان خشکسالی شدیدی روی داده است. وزارت کشاورزی نیز رسماً در تاریخ ۲۶ اردیبهشت ماه، اعلام داشت که خشکسالی تاکنون ۱۲۶۰ میلیارد تومان خسارت ببار آورده و پیش‌بینی می‌شود این رقم تا پایان سال زراعی جاری به ۱۵۰۰ میلیارد تومان بالغ گردد.

علت پدیده خشکسالی در میهن ما، علاوه بر تغییرات جوی کره زمین در سال‌های اخیر، و کاهش میانگین بارندگی، به تخریب محیط زیست نیز مربوط می‌گردد. واقعیت این است که، تخریب و آلودگی شدید محیط زیست، تعادل و توازن بین عرصه‌های زیست محیطی، یعنی آب، خاک و گیاه را از میان برده است. به همین دلیل هم شاهدیم که مثلاً در منطقه بی‌که خشکسالی روی داده، با اندک بارندگی سیل جاری می‌شود. استان خوزستان مثال گویا در این زمینه است. عدم استفاده بهینه از منابع آب، آلودگی و نیز هدر رفتن آب از زمره عوامل خشکسالی محسوب می‌شوند. در گزارشی که روزنامه همشهری، در تاریخ ۱۱ آبان ماه ۱۳۷۴ انتشار داد، آمده است که، حجم آب‌های جاری در رودهای ایران ۱ میلیارد و دویست میلیون متر مکعب

از اواسط خرداد ماه سال جاری، جمهوری اسلامی هفته بی‌را به نام هفته محیط زیست اعلام داشته است. به طور معمول، ستادی تشکیل گردید و برنامه‌هایی تدارک و اجرا شدند. از جمله جایزه بی‌عنوان «جایزه ملی محیط زیست» در نظر گرفته شد.

طی این هفته، مقامات مختلف رژیم ولایت فقیه، در باره محیط زیست و اهمیت آن دست به تبلیغات گسترده‌ای زدند. محمد خاتمی رئیس‌جمهوری در جلسه شورای عالی محیط زیست شرکت کرد، و طی سخنانی بر لزوم برنامه‌ریزی کلان برای رفع آلودگی‌های ناشی از صنعتی شدن کشور تأکید کرد. به علاوه، در جلسه شورای عالی محیط زیست طرح‌هایی چون، اعمال سیاست‌های ویژه و تدوین قوانین، تدوین نظام بازرسی و تعیین منابع مالی پروتکل ایمنی محیط زیست به بحث گذارده شد و سپس از تصویب گذشت.

به این ترتیب، هفته محیط زیست در جمهوری اسلامی با سر و صدای تبلیغاتی فراوان آغاز شد و سرانجام به پایان رسید. در این هفت روز، اما، هیچ برنامه عملی و واقع‌بینانه برای جلوگیری از فاجعه بی‌که در جریان است، ارائه نشد. طی دو دهه حاکمیت رژیم ولایت فقیه، محیط زیست میهن ما با فاجعه بی‌بزرگ مواجه شده است. این فاجعه، برخلاف تبلیغات رسمی، صرفاً در اثر «صنعتی شدن» و «گسترش صنایع» نمی‌تواند باشد و نیست. فاجعه بی‌که اکنون محیط زیست ایران را تهدید می‌کند، رابطه تنگاتنگ و سرشتی با ماهیت و عملکرد رژیم ولایت فقیه دارد. محیط زیست نیز مانند دیگر عرصه‌های زندگی میهن ما، از آن رو سخت آسیب دیده است که اندیشه‌های سیاه و واپس مانده بر جامعه ما حاکمیت یافته‌اند. این تاریک‌اندیشان با تمامی جلوه‌های تمدن معاصر بشری که محیط زیست و حفاظت از آن یکی از آنها قلمداد می‌شوند، بیگانه هستند و به بیان روشن‌تر، سیمای تخریب شده محیط زیست ایران خود آینه تمام‌نمای سرشت و اندیشه واپس‌گرای ولایت فقیه است. آمار منتشر شده طی ۱۰ سال اخیر خود بهترین گواه فاجعه بی‌که است که بر محیط زیست کشور رفته، فاجعه بی‌که نسل‌های امروز و فردای جامعه را تهدید جدی می‌کند.

بنا به آمار رسمی، سطح سبز جنگل در کشور از ۱۸ میلیون هکتار در سال ۱۳۵۵، به پایین‌تر از ۱۰ میلیون هکتار در سال ۱۳۷۲ رسیده است. عوامل مختلفی در این کاهش دخالت دارند، از فقر حاشیه‌نشینان جنگل و روستائیان گرفته تا اقدامات خودسرانه و غیر قانونی نهادهایی چون سپاه، بسیج، جهاد سازندگی، بنیاد مستضعفان و جز اینها.

در فاصله سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۱، فقط به واسطه آتش‌سوزی، در سطحی معادل ۷۸ هزار هکتار از جنگل‌های ایران، بیش از ۱۶ میلیون اصله درخت نابود شده است. سازمان حفاظت محیط زیست، طی گزارشی که در میانه سال‌های دهه ۷۰ خورشیدی انتشار داد، تأکید کرد: «از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۱، یک هزار و ۷۱۵ فقره آتش‌سوزی در جنگل‌های ایران رخ داده است.»

باید متذکر شد، اغلب این آتش‌سوزی‌ها پیامد مانورهای سپاه و بسیج در نقاط مختلف کشور است. همچنین کارشناسان سازمان حفاظت از محیط زیست خبر از دامنه گسترده تخریب در جنگل‌های زاگرس می‌دهند. مساحت قریب، ۱۲ میلیون هکتار جنگل، در پیش از انقلاب، در این منطقه (زاگرس) به چیزی کمتر از ۵ میلیون هکتار در اواسط دهه ۷۰ خورشیدی کاهش پیدا کرده است. با نابودی مناطق وسیع جنگلی، گونه‌های منحصر بفرد گیاهی و جانوری نیز منقرض می‌شوند. نابودی جنگل‌ها و انقراض گونه‌های گیاهی و جانوری سبب مختل شدن چرخه آکو سیستم شده و به طور مستقیم در سلامت جامعه اثرات منفی باقی‌گذارده است. مطبوعات گزارشات متعددی را در باره نابودی گونه‌های نایاب و کم‌یاب گیاهی و جانوری منتشر ساخته‌اند. روزنامه اطلاعات در ۱۲ خرداد ماه سال جاری گزارش داد که، در استان گیلان، گیاه نادر و زیبایی

**ادامه حفظ محیط زیست وظیفه یی ...**

است که، فقط ۳۰۰ میلیون متر مکعب آن مهار شده، و ۹۰۰ میلیون متر مکعب آن هدر می رود.

آمار دیگری نشان می دهد: « بیش از ۷۰ درصد منابع آب های سطحی کشور در معرض انواع آلودگی قرار دارند.»

به گزارش کارشناسان، در ابتدای دهه ۷۰ خورشیدی، سالانه ۱/۶ میلیارد متر مکعب فاضلاب خانگی و مقادیر قابل توجهی فاضلاب صنعتی وارد منابع آب های سطحی و زیر زمینی می شود. روزنامه همشهری در تاریخ ۵ تیرماه سال گذشته (۱۳۷۸)، نوشت: « میزان آلودگی آب رودخانه کرج به مرحله نگران کننده ای رسیده است و کارشناسان محیط زیست هشدار داده اند در صورتی که برای جلوگیری از آلودگی فرآیندهای رودخانه چاره اندیشی نشود، در آینده نزدیک رودخانه کرج خود پالایی را از دست خواهد داد و مسئله پالایش آب تهران با مشکلات گوناگون روبرو خواهد شد. مهم ترین منابع آلاینده رودخانه کرج در حال حاضر، پساب ها و زباله هایی است که از راه های گوناگون در این رودخانه ریخته می شود.» وضعیت رودخانه های کشور، به ویژه در استان های گیلان و مازندران، فوق العاده وخیم است. بنا به اظهارات کارشناسان محیط زیست مازندران، فقدان مرکز پالایش آب مادر برای دفع فاضلاب و نیز نبود مراکز تبدیل زباله و بازیافت زباله سبب شده است، تا بستر رودخانه ها در استان مازندران، از زباله انباشته شود و حتی لاشه های سگ و گربه در آن فراوان به چشم بخورد.

از سوی دیگر هیات کارشناسی سازمان محیط زیست اعلام کرده است، آلودگی شدید رودخانه ای صوفی چای در استان آذربایجان شرقی (مراغه)، رودخانه نکاء در استان مازندران، رودخانه زهره در استان خوزستان و رودخانه سیروان در کردستان را تهدید می کند.

دریاچه های زیبا و بی همتای کشور مانند، دریاچه بختگان و عمارلو در استان فارس که محل زندگی پرندگان نایاب مهاجر است و نیز دریاچه زریوار در کردستان با یک فاجعه زیست محیطی روبه رو یند.

دریاچه ارومیه در آذربایجان غربی، به دلیل فعالیت غیر استاندارد و غیر فنی معادن اطراف معادن نمک، دچار تخریب شده است. روزنامه اطلاعات در تاریخ ۱۶ خرداد ۷۹ گزارش داد که، برداشت سالانه یک صد هزار تن نمک، وضعیت آکو سیستم دریاچه ارومیه را مختل کرده است. دریای خزر به عنوان بزرگ ترین دریاچه جهان و از مناطق مهم میهن ما، با فاجعه یی بزرگ دست به گریبان است.

چرخه آکو سیستم خزر در حال نابودی کامل است. در ۲۰ خرداد ماه ۷۹، کارشناسان روسیه و قزاقستان اعلام داشتند که، مرگ بیش از ۸ هزار خوک دریایی در این دریاچه، به علت آلودگی شدید آب بوده است.

در سال ۱۳۷۰ نیز، در بخش جنوبی دریای خزر، در محدوده ایران، صدها هزار آبی و بچه ماهی های غضروفی و استخوان دار پر ارزش و کم یاب، پرندگان گوناگون و فک های شکم سفید منحصر بفرد، بر اثر آلودگی ناشی از گازوئیل و بنزین به آب های خزر جان خود را از دست دادند.

هر ساله میلیون ها متر مکعب فاضلاب بویژه از جمهوری آذربایجان و روسیه روانه دریای خزر می شود. در برابر این خطر بزرگ، جمهوری اسلامی، بنا به اعتراف صریح خود، فاقد برنامه است. همچنان که اشاره شد، تخریب محیط زیست میهن ما، رابطه تنگاتنگ با حاکمیت واپس مانده دارد.

باید هر چه زودتر، با تدوین و اجرای برنامه ای عملی و ضربتی در مقیاس ملی، مانع از ادامه تخریب محیط زیست کشور شد. از این رو، حزب توده ایران، خواستار تدوین و اجرای طرح ملی برای حفاظت از محیط زیست است. برنامه مصوبه چهارمین کنگره حزب ما در این زمینه، در بخش برنامه رشد اجتماعی- اقتصادی، پیشنهاد ایجاد نهاد کارآمد و مرکزی برای حفظ محیط زیست، و بالا بردن آگاهی عمومی در این زمینه را ارائه کرده است. حزب توده ایران بر این اعتقاد است: « حفاظت از محیط زیست، حفاظت از سلامت جامعه است.»

**ادامه رژیم «ولایت فقیه» و نظام حقوقی ...**

عقد قرارداد های بای بک (بازخرید) به دنبال معامله با شرکت های نفتی خارجی بود، تا بتوانیم در ۲۰ درصد از آب های جنوبی خزر که برای ما باقی می ماند، به کار اکتشاف ذخایر گاز و نفت و بهره برداری از آنها بپردازیم» (خبرگزاری رویتر، ۱۰ مه، سال ۲۰۰۰ میلادی).

سخنان یحیوی، اعتراف صریح به این واقعیت است که، تغییر مواضع جمهوری اسلامی به خواست انحصارهای فراملی بوده است. نظام حقوقی پیشین دریای خزر بر اساس معاهده سال ۱۹۴۰ میان ایران و اتحاد شوروی به رسمیت شناخته می شد، و بر مبنای مشاع استوار بود که در برگیرنده منافع دو کشور بود. به علاوه بر موازین حقوق بین الملل نیز مبتنی بود. اما پس از فروپاشی اتحاد شوروی و پیدایش جمهوری آذربایجان، زیر فشار آمریکا و انحصارهای فراملی، خواستار تعیین نظام حقوقی نوین شد و رژیم مشاع را باطل اعلام کرد. پس از دولت باکو، ترکمنستان و قزاقستان نیز، البته با نوسانات فراوان زیر فشار امپریالیسم خواهان رژیم حقوقی مبتنی بر تقسیم شدند. اگر رژیم ولایت فقیه این چنین تسلیم انحصارها نمی شد، میهن ما این امکان را داشت، در مجامع معتبر جهانی از حقوق خود دفاع کند، زیرا همانطور که اشاره رفت، نظام مشاع در دریای خزر با موازین بین المللی و حقوق بین الملل انطباق دارد. اما در رژیم حقوق تقسیم، این شرکت ها و انحصارها هستند که سود هنگفتی می برند. پنج کشور ساحلی هرگز نخواهند توانست بر مبنای چنین نظام حقوقی تنش های بین خود را حل کنند. اختلافات کنونی میان روسیه و قزاقستان از یک سو و ترکمنستان و جمهوری آذربایجان و ایران، از سوی دیگر بر سر تقسیم منابع سرشار نفت و گاز دریای خزر با پذیرش رسمی نظام حقوقی تقسیم به جای مشاع با زهم ژرفش خواهد یافت و آینده روابط صلح آمیز در این منطقه استراتژیک به خطر خواهد افتاد. به عنوان نمونه، در حال حاضر دولت باکو، با حمایت آمریکا و بر خلاف عرف بین المللی در آب های مجاور ایران به اکتشاف و استخراج نفت و گاز پرداخته است، و قراردادی را با شرکت های اروپایی و آمریکایی به امضاء رسانیده که هم اکنون روزانه ۲۳۰ هزار بشکه، از آنها استخراج می شود.

تسلیم خفت بار رژیم ولایت فقیه به خواست انحصارهای فراملی در زمینه تعیین نظام حقوقی دریای خزر، ضربه یی جدی به منافع ملی و حقوق مردم ایران وارد آورده است. رژیم ولایت فقیه ثابت کرد که قادر به تامین منافع ملی ایران در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز نیست.

حزب توده ایران، این مواضع را بشدت محکوم کرده و پیروی و دنباله روی از منافع انحصارهای فراملی را در مغایرت کامل با منافع، مصالح و حقوق مردم ایران و سایر ملت های ساکن این منطقه ارزیابی می کند. تامین منافع ملی ایران در حوزه دریای خزر، از اولویت های مبارزاتی حزب توده ایران به شمار می آید، و به همین جهت، ما با تمام امکانات با سیاست های ضد ملی رژیم به مقابله بر خواهیم خاست.

**ادامه اتحادیه های کارگری بر ضد ...**

بحث بر سر اعمال نوعی نظام حمایتی از صنایع داخلی نبوده بلکه هدف حفظ نقش و استانداردهای سازمان جهانی کار است. بحث کنگره بر نیاز دفاع و تضمین حق کارگران در پیوستن به تشکل شان در اتحادیه های کارگری و در مقابله با تضعیف این حق به نفع تجارت آزاد متمرکز بود. کنگره با اشاره به مشکلاتی که منبعث از جهانی شدن بود و نیاز مشهود به برخورد مشترک و هماهنگ اتحادیه های کارگری، توجه خود را به نیاز عمل متحد اتحادیه های کارگری بین المللی، معطوف کرد.

«بیانیه هزاره»، کنگره صریحاً نیاز به پاسخی مناسب در مقابل مراکز قدرت امپریالیستی- سرمایه داری، و ضرورت « مبارزه متحد و وقفه ناپذیر مردم زحمتکش و متحدان دموکرات آنها، مخصوصاً روشنفکران ترقی خواه، ضد تهاجم ایدئولوژیک نو لیبرالی » مورد توجه قرار داد. «بیانیه هزاره» موفقیت در انجام این مهم را منوط به « نیز کردن آگاهی طبقاتی کارگران و محافظت کردن از جنبش در مقابل نیروها و ایدئولوژی های بیگانه دانست. کنگره خاطر نشان کرد که: « با رد کردن سیاست های خصوصی سازی و جهانی شدن نو لیبرالی و سیاست های صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی، اتحادیه های کارگری می توانند برای ایجاد یک جایگزین واقعی طرفدار مردم، برای تضمین این امر که هزاره جدید متعلق به آنان باشد و نه به فراملی ها، بر ضد سرمایه مالی بزرگ و قدرت های امپریالیستی مبارزه را رهبری کنند.» در خاتمه، کنگره، همچنین خواستار این شد که همه اتحادیه های کارگری واقعی و مستقل اجازه داده شود که به طور کامل در فعالیت کمیته های جهانی کار شرکت کنند.

## ادامه اصلاحات مردمی در مقابل «اصلاحات» مورد نظر ...

مجمع تشخیص مصلحت نظام و ... با گستردگی و وقاحت مورد سرکوب قرار می گیرند نباید دست کم گرفت...» و نتیجه اینکه «دل خوش کردن غربی ها به یک مشت استحاله شده و غرب گرا امر بیهوده ای است چرا که در صورت لزوم و چنانچه پایه های نظام مورد هجوم واقع شود نظام با خشم انقلابی اش هر مانعی را از سر راه برخواهد داشت...» از مجموعه این ارزیابی ها، و دیگر سخنرانی ها و مواضع اعلام شده در نماز جمعه گوشه و کنار کشور، سیمای «اصلاحات» مورد نظر «ولی فقیه» و کارگزاران ریز و درشت ارتجاع روشن می شود. ارتجاع در بررسی اوضاع کشور و شکست های پی در پی، که در آزمون افکار عمومی از جمله انتخابات ریاست جمهوری ۲ خرداد ۷۶، انتخابات شوراها و انتخابات مجلس در ۲۹ بهمن ۱۳۷۸ متحمل شده است، دریافته است که نه تنها از هیچ پایگاه اجتماعی برای بسیج نیرو و سد کردن روند اصلاحات در جامعه برخوردار نیست، بلکه مورد تنفر و انزجار عمیق اکثریت عظیم مردم میهن ما نیز است. بر اساس این ارزیابی یگانه امکان حفظ استبداد قرون وسطایی کنونی، لجام زدن بر روند اصلاحات، بدست رهبری سیاسی جنبش اصلاح طلبی و در صورت عدم موفقیت در این زمینه سرکوب خونین جنبش مردمی با استفاده از نیروی نظامی است.

فشار بر رهبری جبهه دوم خرداد و شخص خاتمی برای تسلیم در مقابل خواست «ولی فقیه» و منافع روحانیت حاکم، زیر لوای حفظ منافع «اسلام» و «نظام»، در کنار ادامه تهاجم تبلیغاتی و تشدید تضییقات بر ضد شخصیت های مستقل و دگراندیش، جزو تاکتیک های عمده ارتجاع حاکم در اوضاع کنونی است. محسن میردامادی، نماینده مجلس از تهران و رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، در پاسخ به مرتجعانی که پیشنهاد تشکیل «مرکزی به منظور گفت و گو درباره اصلاحات» را می کنند، گفت: «هدف اصلاحات، اعتراض به عملکرد همان کسانی بوده است که امروز مدعی تشکیل مرکز بررسی و مدیریت اصلاحات هستند...» میردامادی بر این نکته نیز تأکید می کند که: «اصلاحات مسیر خود را پیدا کرده و به هیچ عنوان متوقف نمی شود. فقط با ایجاد بحران روند اصلاحات پرهزینه می شود...» واقعیت این است که، جنبش مردمی در پیکار طولانی خود بر ضد رژیم «ولایت فقیه»، خصوصاً در سه سال گذشته، تجربیات مهم و گرانمایی را کسب کرده است. جنبش توانسته است با موفقیت و مصممانه ترندهای گوناگون ارتجاع حاکم را، از به قتل رساندن آزادی خواهان و دگراندیشان، تا یورش نیروهای مسلح به کوی دانشگاه تهران و همچنین بستن ده ها روزنامه و نشریه مدافع اصلاحات، پشت سر گذاشته و همچنان به پیکار خود ادامه دهد. بر خلاف تصور خام رهبران رژیم، جنبش اصلاح طلبی به یک فرد و یا گروه وابسته نیست، و در صورتی هم که ارتجاع بتواند کس یا کسانی از رهبری جنبش اصلاح طلبی را به تسلیم و یا ممانعت برای حفظ پایه های «نظام» وادار کند، جنبش همچنان به مبارزه خود ادامه خواهد داد. اصلاح طلبی در میهن ما امروز مترادف است با حکومت مردم گرا، حکومتی متکی بر آرای مردم، استقرار دموکراسی و طرد ارتجاع و استبداد از حاکمیت سیاسی میهن ما. امروز بر خلاف خوش خیالی خامنه ای و شرکاء جنبش اصلاح طلبی در ایران تنها به بودن این یا آن فرد در مقام ریاست جمهوری راضی نیست، بلکه خواهان ایجاد اوضاعی برای تغییرات بنیادین، پایدار و دموکراتیک در میهن ماست. اصلاح طلبی که اکثریت قاطع مردم میهن ما مدافع آنند، خواهان محاکمه و محکومیت جنایتکارانی است که دادگاه فرمایشی رژیم «ولایت فقیه» تبرئه کرد. اصلاحات مردمی، اصلاحاتی است که بر پایه های آن می توان آینده بی رها از زنجیرهای استبداد و تاریک اندیشی را بنیاد کرد و نه ابزاری برای حفظ دیکتاتوری مطلقه یک فرد به اسم «اسلام» و «مشروعیت الهی».

مرتجعان حاکم و چماق داران تبلیغاتی آن همچون سرمقاله نویس روزنامه کیهان، رسالت و جمهوری اسلامی، به عبث می کوشند تا ستادی برای اداره روند اصلاحات تشکیل دهند. دوران این قبیل فریبکاری های مبتذل به سر آمده است. مردم اکنون مدتهاست که قضاوت نهایی خود را پیرامون رژیم «ولایت فقیه» و متحدان و مدافعان آن انجام داده اند. در این قضاوت تاریخی، رژیم «ولایت فقیه» به عنوان یکی از سیاه کارترین و ضد مردمی ترین حکومت های تاریخ معاصر میهن ما، در کنار رژیم ستم شاهی محمد رضا پهلوی، مورد تنفر عمیق و انزجار عمومی اکثریت عظیم مردم میهن ماست. بیهوده نیست که اکنون بخشی از روحانیت، نگران از عملکرد ارتجاع حاکم این نظر را مطرح می کند که امروز دیگر تنها رژیم «ولایت فقیه» نیست که در معرض نابودی قرار گرفته است بلکه جایگاه تاریخی روحانیت و اسلام در جامعه ایران نیز به سبب این عملکرد در مخاطره جدی قرار گرفته است.

جنبش مردمی هوشیار و آگاه از ترندهای رذیلانه ارتجاع و سران رژیم «ولی فقیه»، در روزهای اخیر نشان داده است که سخنان «ولی فقیه» و مدافعان «ولایت» برای هدایت «اصلاحات» در ایران، نه تنها هیچ ثمری نخواهد داشت، بلکه از هم اکنون با شکست روبه روست.

ایران لحظات حساس و سرنوشت سازی را پشت سر می گذارد. پای فشاری بر روند اصلاحات مردمی و تقویت و انسجام بخشیدن به جنبش و تقویت گردان های اجتماعی آن، یعنی کارگران و زحمتکشان، زنان، جوانان و دانشجویان و ارتقای کیفی جنبش یگانه راه مطمئن حرکت کند ولی قطعی میهن ما به سوی آزادی و عدالت اجتماعی است. اعتراف خامنه ای به برگشت ناپذیر بودن اصلاحات و ضرورت هدایت آن، شونده را بی اختیار به یاد سخنان محمد رضا شاه، پیش از سقوط حکومت شاهنشاهی، می اندازد که با اوج گیری انقلاب، در سخنانی خطاب به مردم گفت: صدای پای انقلاب شما را شنیدم و از مردم خواست تا به او اجازه دهند تا انقلاب آنان را هدایت کند!! اگر سرنوشت شاه و حکومت شاهنشاهی در ایران ملاکی تاریخی قرار گیرد، سرنوشت رژیم «ولایت فقیه»، و «ولی فقیه» آن نیز از هم اکنون روشن است.

## ادامه برخاست ققنوسی

سترگ آن تعلق دارد. در وجود هر توده ای آتش خشم و کینه بر ضد حکام ارتجاعی و تاریک اندیش و نوکران آن زبانه می کشد و عشق به انسان و راهی که به سوسیالیسم و آزادی ختم می شود، تبلور آرزوهای پاک و دور و دراز و همیشگی هر توده ای است که از اصیل ترین و گرانبها ترین اندیشه های بشری الهام می گیرد و سیراب می شود.

رفقا!

تشکیل پلنوم سوم حزب روح تازه ای در یکایک رفقای توده ای برخواهد انگیخت، و اسناد و تصمیمات آن که بر اساس نیازهای مطالباتی جنبش مردمی تدوین گردیده انرژی جوشان توده ای ها را در مبارز با حکام ارتجاعی رژیم ولایت فقیه شدت خواهد بخشید.

ما در کنار حزب و یاران مبارز خواهیم ماند و وفادار به راه و اندیشه رفقای شهیدمان، استوار و پیگیر گام خواهیم برداشت و این اندیشه مقدس را به میان مردم، خانه ها، کارخانه ها و مزارع خواهیم برد. آنگاه که اندیشه به نیروی مادی بدل شود، آنگاه که روح زنده، پویا و پرتراوات حزب بر میهن مان سایه افکند و آنگاه که در باغ، عطر باورمان پر شود، بدر اندیشه های ارانی در این سرزمین به شکوفه خواهد نشست. باشد که در چنین روزی در کنار خلق مان باشیم، ورنه آرمیده در کنار خیل عظیم شهدای به خون خفته حزب مان.

گروهی از هواداران حزب توده ایران - داخل کشور.



### «جهانی شدن» و فقر

بر اساس گزارش سازمان جهانی کار (ILO) تحت عنوان: «امنیت درآمد و حفاظت اجتماعی در جهان در حال تغییر»، «جهانی شدن» منجر به از بین رفتن اشتغال و افزایش فقر در میان مردم کشورهای در حال توسعه شده است. این گزارش که در آخرین روز خرداد ماه منتشر شد، فاش می کند که:

- یک چهارم جمعیت جهان درآمدی کمتر از یک دلار در روز دارند.
- در ۵ سال گذشته، به جمعیت فقیر جهان ۲۰۰ میلیون نفر اضافه شده است.
- در کشورهای در حال توسعه، نزدیک به یک سوم جمعیت به آب آشامیدنی دسترسی ندارد.
- بیش از ۴۰ درصد جمعیت آفریقا و آسیا در فقر زندگی می کنند، و این درصد در حال افزایش است.
- از صد و پنجاه میلیون نفر بیکار جهان، کمتر از یک چهارم آنان از نوعی مقرری بیکاری بهره مندند.

### پنجاهمین سالگرد قانون سرکوب کمونیسم در آفریقای جنوبی

در روز ۳۱ خردادماه، پارلمان آفریقای جنوبی با تصویب یک قطعنامه مهم، در پنجاهمین سالگرد تصویب سرکوب کمونیسم توسط پارلمان رژیم آپارتاید، از این قانون تبری جست. در بیانیه بی که به این مناسبت از طرف حزب کمونیست آفریقای جنوبی صادر شد، خاطر نشان گردیده است که «از این قانون فقط برای تعقیب و پیگرد کمونیست ها استفاده نشد، از این قانون بر ضد همه آنانی که با آپارتاید می رژیمند، استفاده شد. این قانون منجر به سرکوب فزاینده بسیاری کمونیست ها و غیر کمونیست ها شد. در میان اینها، رفیق بارام فیشر، یک سفید پوست آفریقایی که به دلیل کمونیست بودن و مبارزه برای عدالت، مورد نفرت ویژه نظام آپارتاید بود، قابل توجه است. تا امروز، ما هنوز نتوانسته ایم بقایای جسد او را پیدا کنیم که در کنار خانواده اش به خاک بسپاریم. ۴۰ سال پس از غیر قانونی کردن ما، رژیم آپارتاید مجبور شد تصدیق کند که هیچ گاه نمی تواند سازمان کمونیستی و ایده های کمونیستی را از خاک آفریقای جنوبی ریشه کن کند. قطعنامه بی که امروز به تصویب مجلس نمایندگان آفریقای جنوبی رسید تاکید می کند که آفریقای جنوبی هیچ گاه در آینده پیگرد اشخاص را به خاطر اعتقادات ایدئولوژیک شان تحمل نخواهد کرد.»

«قابل توجه است که درست ۵۰ سال پس از آنکه ما را غیر قانونی کردند، حزب کمونیست آفریقای جنوبی هر روزه قدرتمندتر می شود و بخشی از دولت دمکراتیک است، در حالی که حزب ملی (حزب حاکم در دولت

آپارتاید که ما را غیر قانونی اعلام کرد) در حال احتضار است. حزب کمونیست آفریقای جنوبی به کارنامه و سهم خود در مبارزه بر ضد آپارتاید و مبارزه جاری برای دگرگونی جامعه افتخار می کند. پرچم سرخ در اهتزاز است و سوسیالیسم خواسته خلقی و عادلانه مردم ماست.»

### پیروزی مهم چپ در مغولستان

در انتخابات پارلمانی مغولستان که در روز ۱۲ تیرماه انجام شد، حزب انقلابی مردم مغولستان با تصاحب ۷۲ کرسی از ۷۶ کرسی موجود، نیروهای راست را که در چهار سال گذشته قدرت دولتی را در دست داشتند، شکست داد. در سال های اخیر فساد و فقر در کشور غوغا می کرده است و زحمتکشان مغولستان، با تجربه عملکرد تلخ سرمایه داری در کشورشان، بار دیگر به حزب انقلابی مردم مغولستان که از سال ۱۹۲۴ به مدت ۷۲ سال در قدرت بود، روی آورده اند. در سال های اخیر مشاهده کودکان بی سرپرست در خیابان ها که شب های زمستان در کنار لوله های انتقال حرارت بین شهری کز می کردند، امر عادی بود. بیش از یک سوم جمعیت مغولستان در زیر خط فقر زندگی می کند و بیکاری در برخی شهرهای این کشور گاه به ۶۵ درصد می رسد. بر اثر اجرای سیاست ها و برنامه های تحمیلی صندوق بین المللی پول، اکثر جمعیت ۲/۴ میلیونی کشور در فقر به سر می برند. در انتخابات سال ۱۹۹۶، حزب انقلابی مردم مغولستان، با کسب فقط ۲۶ کرسی پارلمانی از قدرت کنار رفت و ائتلاف «اتحادیه دمکراتیک» نیروهای راست گرا کنترل دولت را به دست گرفت. حزب انقلابی مردم مغولستان، در سال ۱۹۹۰، در جریان سقوط اتحاد شوروی با ترک مواضع ایدئولوژیک خود از مارکسیسم لنینیسم فاصله گرفت، و به عوض آن «موضع سمت گیری سوسیالیستی در همخوانی با ارزش های ملی» را اتخاذ کرد. بر رغم ضعف های مشهود ایدئولوژیک حزب انقلابی مردم مغولستان و کوشش برخی از رهبران حزب جهت اتخاذ سیاست های موسوم به «راه سوم»، این حقیقت که زحمتکشان این کشور خواستار بهبود وضعیت اقتصادی، ایجاد اشتغال، پایان دادن به برنامه صندوق بین المللی پول و خاتمه سیاست خصوصی سازی می باشند، امکان بالقوه تحولات مثبت و مردمی در این کشور را بی نهایت افزایش داده است.

### کوبا و کاهش تحریم ها؟

دولت کوبا ضمن رد کردن طرح کنگره آمریکا مبنی بر کاهش تحریم های اقتصادی، آن را محکوم کرده و اجازه فروش مواد غذایی و دارو به کوبا را عوام فریبی خواند. سخنگوی دولت کوبا «ایمی هراندز» در باره این اقدام گفت: «رسانه های غربی به آشتیابه این اقدام را «کاهش» تاریخی تحریم اقتصادی نامیده اند. ... آنچه که ما در اینجا می بینیم اقدامی ظاهری است که با کاهش تحریم های اقتصادی فاصله بسیاری دارد و در واقع سخت تر کردن تحریم هاست.» طرح اخیر که از طرف نمایندگان کشاورزان آمریکا، و از طریق نمایندگان جمهوری خواهان در کنگره مطرح شده بود، پس از ۴۰ سال تحریم، اجازه فروش دارو و مواد غذایی به این کشور را می دهد. اما در بحث های پایانی کنگره، گروه ماورای راست موفق شد تا تبصره هایی را به این طرح اضافه کند که، در آن مبادلات توریستی برای شرکت های دولتی و خصوصی ممنوع شده است. این قانون که تا ماه تیر سال جاری به تأخیر افتاده بود، محدودیت های دیگر را برطرف نخواهد کرد و آنها همچنان به قوت خود باقی خواهند ماند، از جمله این محدودیت ها تحریم کشتی هایی است که به بندر کوبا می روند و تا ۶ ماه حق ندارند وارد بندرهای آمریکا شوند.

### مذاکرات بین دو کره

در روز ۲۳ خرداد روسای جمهوری کره شمالی و کره جنوبی، در پیونگ یانگ، پایتخت کره شمالی، با فشردن دست یکدیگر، گامی مهم به سوی پایان بخشیدن به درگیری های میان دو کشور برداشتند. سازمان های هوادار صلح در جهان، ضمن ابراز خرسندی از این مذاکرات، آن را قدمی به سوی پایان دادن به ۵۰ سال درگیری میان دو کره ارزیابی کردند. ملاقات مقابله بی بود با خواست ایالات متحده آمریکا که می خواهد به بهانه دفاع در برابر خطر حمله موشکی از سوی کره شمالی، دست به ایجاد سیستم دفاع ضد موشکی بزند. اما «کیم جونگ دو» با در پیش گرفتن سیاست فعال در برقراری رابطه با دیگر کشورهای جهان، روابط این کشور را با سایر کشورهای جهان گسترش داده است. او چندی پیش از پکن دیدار کرد و در ماه گذشته نیز «ولادیمیر پوتین» به منظور مقابله با تلاش ایالات متحده آمریکا برای ایجاد و گسترش دفاع ضد موشکی و تخطی از قرارداد ۱۹۷۲ موسوم به «ام-ام» دیداری از این کشور داشت. «جوی ولک» مسئول کمیته دوستان آمریکا، در این مورد گفت: «این دیدار ابتکار بسیار خوبی است. آنچه که ما در شبه جزیره کره به آن نیاز

داریم، پایان بخشیدن به جنگ سرد از طریق کاهش تهدیدها، ایجاد اطمینان و مشخص کردن حدود همکاری ها میان دو کشور است. این ملاقات شاید به اعتماد متقابل، و در آینده بی نه چندان دور، به اتحاد دو کره منجر شود.» او همچنین اضافه کرد که بنابراین ما تردید داریم که کره شمالی تهدیدی برای امنیت آمریکا باشد. آنچه که بر اساس آن ایالات متحده آمریکا میلیارد ها دلار صرف ایجاد دفاع ضد موشکی کرده است. مبادلات بازرگانی میان دو کشور که در سال ۱۹۸۹ برابر با ۳۳۳ میلیون دلار شد و بیش از ۲۱۰ هزار نفر از اتباع کره جنوبی از کره «کوم یانگ» (کره الماس) در کره شمالی، به نشان اتحاد دو کره، دیدار کردند.

ملاقات میان سران دو کشور در شرایطی انجام می شود که ارزیابی جدیدی از نقش آمریکا در جنگ کره صورت می گیرد. بر اساس گزارش ها و اسناد جدیدی که منتشر شده است و بر اساس گفته های شاهدان عینی، سربازان آمریکایی در جریان جنگ کره، در کشتار های جمعی، افراد غیر مسلح را تیر باران کرده اند، و حتی در مواردی، سربازان کره جنوبی را به قتل رسانده اند. پنتاگون سعی دارد تا با مغشوش کردن مسئله، این گزارش ها و اسناد را بی اعتبار سازد. همچنین خبر گزار می مرکز کره شمالی در گزارشی به خوانندگان خود یاد آور شد که، پنتاگون و ژنرال «داگلاس مک آرتور» تلاش داشتند تا با عبور از رودخانه «یالو»، جنگ کره را به جنگ جهانی سوم مبدل سازند. نقشه آن بود که از این طریق اتحاد شوروی و جمهوری خلق چین را به جنگ بکشانند و بدنبال آن از سلاح های هسته ای خود استفاده کنند. در حال حاضر بیش از ۴۰ هزار سرباز آمریکایی و صدها سلاح هسته ای در کره جنوبی انبار شده است. «بروس گاکون»، هماهنگ کننده شبکه جهانی بر ضد سلاح هسته ای و قدرت در فضا، گفت: «در حال حاضر شایعه بی وجود دارد مبنی بر آنکه کره شمالی آماده حمله انمی بر ضد سایر نقاط جهان است.» او سازمان سیا را متهم کرد که تلاش می کند تا با تحریک اذهان عمومی و برانگیختن احساسات مردم ضد کره شمالی، شروع و تکمیل بلادرنگ «جنگ ستاره ها» را توجیه کند. در روز ۲۳ خرداد، ۳۳ تن از دانشمندان عالی رتبه و اعضا روابط علمی آمریکا و روسیه، در نامه بی به کلیتون اعلام کردند که: «ما بر این باوریم که نقشه ایالات متحده آمریکا برای ایجاد سیستم دفاعی ضد موشک ممکن است در امنیت آمریکا اختلال ایجاد کند و در رابطه با روسیه تاثیر منفی داشته باشد.» همچنین ۴۶ فیزیکدان و مهندس، با نام «اتحاد دانشمندان نگران» در نامه بی به کنگره آمریکا گفتند: «طرح جنگ ستاره ها باید کنار گذاشته شود، آنچه که در این مورد در کتاب ها وجود دارد به طور ساده آنست که این طرح هیچ گاه مناسب نبوده و نخواهد بود.»

دانشمندان خاطر نشان کردند که، پنتاگون بطور عمد، با انجام آزمایش ها و ساده وانمود کردن آنها، به این امید است که موشک های ضد موشک بتوانند هدف خود را از بین هزاران هدف دیگر تشخیص دهند و آن را نابود کنند. یعنی آنچه که حتی یک آزمایش آن هم موفق نبوده است.

## اتحادیه های کارگری جهان بر ضد «جهانی شدن» نولیبرالی

گرفت و سیاست های نولیبرالی آنان در خصوصی سازی و کنارگذاری ملاحظات قانونی بازارهای جهان را بر روی کمپانی های فراملی باز کرده و نقش دولت ها را در اقتصاد جهانی محدود ساخت. چنین سیاست هایی به توسعه اقتصادی-اجتماعی قابل دوام نینجامیده بلکه باعث تمرکز بی سابقه ثروت و قدرت شده است. سازمان ملل در این باره اظهار می کند که: «ثروت کمتر از ۴۰۰ ثروتمند جهان، اکنون مساوی با درآمد نیمی از مردم جهان است.»

### ب - تجربه کارگران

نماینده پس از نماینده در سخنان خود خطاب به کنگره مشکلات اجتماعی اعضای اتحادیه خود را مورد توجه قرار دادند. در هر کشوری مبارزه برای دفاع از منافع کارگران اشکال مشخص ویژه خود را داشت و لی هدف واحد بود: بهبود شرایط کار، دفاع از حقوقی که در قراردادهای دسته جمعی ملحوظ شده است و حفظ استانداردهای سازمان جهانی کار. از ژاپن گزارش شد که «بازار آزاد» منجر به پیشرفت نشده است بلکه تجدید ساختار اقتصادی به تضعیف صنعت، قراردادهای دسته جمعی و ملحوظات اجتماعی انجامیده است. در پرتغال کارگران در تدارک اعتصاب سراسری در دفاع از دستمزد و شرایط کاری خودند. در حالیکه نمایندگان سندیکالیست استرالیا به تشریح مبارزات جانانه کارگران بندرها و نیز بخش ساختمان در دفاع از حقوق فردی و جمعی خود پرداخته اند. رهبران سندیکاهای کارگری هند گزارش دادند که سیاست های لیبرالیزه ساختن اقتصاد منجر به تهاجم به بخش اساسی صنایع ملی نظیر فولاد، زغال سنگ و ارتباطات شده است. قیمت ها افزایش یافته و بیکاری گسترش یافته است. به یارانه های دولتی برای قشرهای فقیر پایان داده شده است. در حالی که مالیات غیر مستقیم کالایی برای محصولات صنایع بومی افزایش پیدا کرده است. در چارچوب شرایط صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، مالیات برای کالاهای وارداتی کاهش یافته است.

### ج - بحث در مورد یک نظام جایگزین

کنگره موافقت کرد که گزارش جاری در سمت بلوک های منطقه ای به نفع کارگران و به سود اشتغال نیست. تاسیس منطقه آزاد تجاری آمریکای شمالی (نفتا)، آن طور که مدافعان آن قول داده بودند، منجر به ایجاد ۳۰۰ هزار کار نشده، بلکه به عوض به از بین رفتن ۲۵۰۰۰ کار و جابجایی بیش از یک میلیون کارگر، در نتیجه انتقال تولید توسط کمپانی ها به مناطق مرزی در کشورهای همسایه منجر شده است. محتوای مشترک همه سخنرانی ها، خصوصاً علنی و واضح نسبت به «بندهای اجتماعی» در تحت مقررات سازمان تجارت جهانی بود. این مخالفت، غالباً آنگونه تصویر می شود که گویا کشورهای در حال توسعه نمی خواهند بازرگانی با استانداردها ارتباط داشته باشد زیرا نگرانند که جذابیت و برتری آن کشورهایی که حقوق قانونی کمتر و نیروی کار ارزان تر دارند، از بین برود. رهبران اتحادیه های کارگری در کنگره توضیح دادند که

ادامه در صفحه ۵

چهاردهمین کنگره اتحادیه های کارگری، در فروردین ماه سال جاری، در دهلی نو، پایتخت هندوستان، برگزار شد. ۴۲۱ نماینده، از ۷۴ کشور جهان، در این کنگره که توسط فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری (WFTU) سازمان داده شده بود، شرکت داشتند. رهبران سندیکایی کشورهای مختلف، در سخنرانی های خود مشکلات اجتماعی-اقتصادی ناشی از تسلط جهانی شدن و سیاست های نولیبرالیسم را، برای میلیون ها نفر از زحمتکشان کشورهای شان مورد توجه قرار دادند. کنگره در جریان ۴ روز بحث و بررسی خود در کنار کار روی اسناد سیاست ها که مرکب از ۴ بخش مقدمه، دستاوردها و شکست ها در اقتصاد جهانی، مبارزه برای یک جایگزین دموکراتیک بر ضد جهانی شدن نولیبرالی و برای عدالت اجتماعی، پیرامون دورنمای بین المللی جنبش سندیکایی بود، ۳۳ قطعنامه و پیام نیز صادر کرد. در «بیانیه هزاره» که در کنگره به تصویب رسید گفته می شود: «ما ۴۲۱ شرکت کننده در چهاردهمین کنگره اتحادیه های کارگری جهان، به نمایندگی از سوی ۴۰۷ میلیون عضو اتحادیه های کارگری از همه قاره ها، اعتقاد خود به وحدت و عمل متحد اتحادیه های کارگری و همبستگی بین المللی آنان در مبارزه طبقه کارگر بر ضد همه اشکال استثمار و سرکوب، سیاست های امپریالیستی تحریم و بلوکه کردن، و برای یک زندگی بهتر، برابری، عدالت، صلح و پیشرفت اجتماعی بر پایه احترام کامل به حقوق سندیکایی، آزادی های دموکراتیک و همه حقوق انسانی را تصریح می کنیم.»

جمع بندی کلی بحث های کنگره چهاردهم اتحادیه های کارگری جهان در سه محور اصلی آن در ادامه آورده می شود.

### الف - زمینه اقتصادی

عدم برابری اقتصادی بین همه کشورهای غنی و فقیر و همچنین بین مردم ثروتمند و فقیر در درون کشورها در حال رشد است، و این امر به تضعیف و به مخاطره انداختن امنیت اقتصادی، استانداردهای اجتماعی و حقوق بشر پایه ای انجامیده است.

یک سوم نیروی کار جهان یا بیکار است و یا مبتلا به اشتغال است. ۶۰ کشور جهان از ۱۹۸۰ تاکنون به طور فزاینده ای فقیرتر می شوند. بیش از یک میلیارد نفر از مردم جهان قادر به فراهم کردن ابتدایی ترین نیازهای خویش نیستند و بالغ بر ۸۰۰ میلیون نفر از سوء تغذیه رنج می برند و گرسنه اند. «نزدیک به ۶۰ درصد جمعیت کشورهای در حال توسعه، بیش از ۲/۵ میلیارد نفر، هیچ دسترسی به سیستم بهداشتی پایه ای ندارند و ۳۰ درصد حتی به آب آشامیدنی پاکیزه دسترسی ندارند.» اسناد کنگره با اشاره به گزارش توسعه انسانی سازمان ملل مسئله رشد نابرابری اقتصادی در جهان را مورد توجه قرار داد: «تفاوت درآمد بین یک پنجم از مردم جهان که در کشورهای ثروتمند زندگی می کند و یک پنجمی که در کشورهای فقیر زندگی می کند از نسبت ۳۰ به یک در سال ۱۹۶۰ به نسبت ۷۴ به یک در سال ۱۹۹۷ رسیده است. در سال ۱۹۹۰ این نسبت ۶۰ به ۱ بود. در انتهای دهه ۹۰، یک پنجم مردم جهان که در کشورهای ثروتمند زندگی می کردند، ۸۶ درصد تولید ناخالص ملی، ۸۲ درصد صادرات جهان و ۶۸ درصد سرمایه گذاری مستقیم خارجی را در کنترل داشتند، در حالی که سهم یک پنجم از مردم کشورهای فقیر در هر عرصه بی از این سه مقوله فقط یک درصد بود.»

«بر پایه تخمین ما، ۸۶ درصد ثروت جهان در دست ۲۲ درصد جمعیت جهان قرار دارد.» چرا؟ قرن بیستم مشاهده گر دستاوردهای شگفت انگیز و دگرگونی در شیوه زندگی و کار مردم بود: دستاوردها در توسعه علمی و تکنولوژیک. در عرصه حمل و نقل و ارتباطات راه دور و تکنولوژی اطلاعاتی. چنین دستاوردهایی به طور شگرف ظرفیت تولید آنچه را که برای تضمین یک زندگی بهتر، توسعه اجتماعی و امنیت اقتصادی برای همه، مورد نیاز است، تقویت کرده است. ولی از این تحولات در جهت بهره مندی آنانی که سهم عمده در دستیابی به این دستاوردها داشته اند، استفاده نشده است، بلکه شرکت های فراملی قدرتمند از این تحولات به مثابه اهرم کنترلی در دست خود بهره گیری کرده اند.

این روند در تمامی طول دهه ۸۰ میلادی توسط تاجر و ریگان مورد تشویق قرار

**کمک های مالی رسیده**

به یاد شهدای حزب از ایران ۷۵۰ مارک  
نیازمند ۵۰ مارک

**آدرس ها:** لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

**NAMEH MARDOM-NO:588**  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

25 July 2000

شماره فاکس و  
تلفن پیام گیر ما  
۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

**حساب بانکی ما:**

IRAN e.V. نام  
790020580 شماره حساب  
10050000 کد بانک  
Berliner Sparkasse بانک